

# تغییر نگرش رسمی به حقوق زنان؟

گفتوگو با سه فعال حقوق زنان در رابطه با افزایش فعالیتها و برنامه‌های رسمی درباره زنان

آیا حاکمیت نسبت به زنان و مواجهه با حقوق آنها رویکرد جدیدی پیدا کرده است

محمد معصومیان

این روزها همه از زنان می‌گویند. به خصوص بعد از اتفاقاتی که سال گذشته ایران را تحت‌تاثیر قرار داد. اعتراضاتی که از جان باختن مهسا امینی آغاز شد و موج جدیدی از گفتوگو و بحث در رابطه با حقوق زنان در ایران را داغ کرد. در این میانه پرهیاهو که بعضی از زنان بعد از انقلاب روسری از سر برداشتند و در عرصه‌های عمومی ظاهر شدند برای اولین بار گفتوگوهای پرتنش در صداوسیما حول مسائل زنان ایرانی آغاز شد و مردم برای اولین بار بیننده مناظره‌های زنده‌ای در رابطه با حقوق زنان در رسانه ملی بودند. مردمی که هر روز در کنار همسر و خواهر و مادر خود زندگی می‌کردند این بار در مواجهه با سوژه شدن زنان رویکردهای متفاوتی داشتند. حالا سوال اینجاست که اتفاقات اخیر و بحث‌هایی که حول محور زنان اتفاق افتاده آیا توانسته نگاه مردان را به حقوق زنان تغییر دهد یا آنها را نسبت به نیمی از جمعیت ایران حساستر کند؟ آیا حاکمیت نسبت به زنان و مواجهه با حقوق آنها رویکرد جدیدی پیدا کرده است یا سعی کرده به صورت ویژه‌تر مسائل زنان را بررسی کند؟

صداوسیما به عنوان یکی از رسانه‌های مهم ایران در این مدت برنامه‌های متعددی برای زنان تدارک دید که نشان از نیاز جامعه برای شناخت بیشتر از مسائل زنان بود. یکی از برنامه‌هایی که صداوسیما در شبکه 2 آن را روی آنتن برد برنامه تلویزیونی «خط

«سوم» از گروه خانواده با محوریت بانوان ایرانی بود. «از مامان بگو» هم در ایام نوروز و ماه رمضان روی آنتن رفت. یکی از برنامه‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی هم بسیار دست به دست می‌شد مناظره تلویزیونی «شیوه» بود که به مناظره در رابطه با چالش‌های سیاسی و اجتماعی کشور اختصاص داشت. این تنها صداوسیما نبود که سعی می‌کرد زنان را به صورت ویژه ببیند جامعه دانشگاهی هم پیش آمد و همایشی با عنوان «همایش ملی زن و هویت ایران اسلامی» را اردیبهشت امسال در دانشگاه گیلان برگزار کرد. همایشی که با جذب مقالات در 20 اردیبهشت امسال برگزار شد. دیگر همایشی که به زنان اختصاص پیدا کرد «همایش زنان و مالکیت فکری» بود که 22 اردیبهشت در تهران برگزار شد. کنگره بین‌المللی بانوان تاثیرگذار هم بهمن ماه سال گذشته با حاشیه فراوان و در واکنش به حذف ایران از کمیسیون مقام زن ملل متحد برپا شد. اولین همایش ملی زن در 100 سال اخیر را هم برای اولین بار دانشگاه اردبیل برگزار کرد. نخستین دوره آموزشی زنان و حکمرانی هم به همت کمیسیون ملی یونسکو- ایران و با همکاری معاونت ریاست‌جمهوری در امور زنان و خانواده، دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران، اندیشکده حکمرانی دانشگاه صنعتی شریف، خانه خلاق و مرکز نوآوری قوه مقننه، پژوهشکده علم و تحول راهبردی، مرکز زنان و امور خانواده دانشگاه تهران و بنیاد بین‌المللی گوهرشاد خرداد و تیر سال جاری برگزار خواهد شد. اولین همایش زنان کارآفرین اجتماعی با حضور بیش از 100 زن کارآفرین برای اولین بار دوشنبه یکم اسفند 1401 هم از جمله همایش‌هایی بود که پس از اتفاقات سال گذشته برگزار شد. در این میان برنامه‌هایی هم برای دختران در نظر گرفته شد که یکی از آنان جشن‌های «خیلی دخترانه» سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران به مناسبت گرامیداشت میلاد حضرت معصومه است. یکی از طرح‌هایی که سال‌ها در دولت‌های گذشته دست به دست شد و تغییرات بسیاری دید «لایحه منع خشونت علیه زنان» بود که بالاخره با تغییر نام در 20 فروردین 1402 به تصویب رسید. لایحه‌ای که فعالین زن سال‌ها منتظر به سرانجام رسیدن آن بودند. همه این اتفاقات و بیشتر از آن کارهایی بود که دولت و حاکمیت سعی کردند با انجام آنها این پیام را بدهند که شاید قرار است در برای زنان بر پاشنه جدیدی بچرخد. یا آنطور که توران ولی مراد معتقد است برای جبران عقبماندگی حاکمیت در حوزه زنان است.

حالا با وجود این فعالیت‌ها و اظهارنظرهایی از مسوولان رده بالای حاکمیت در رابطه با تغییر نگرش به زنان ایران پرسشی که در ذهن می‌چرخد این است که فعالان حوزه زنان این اتفاقات را چطور بررسی می‌کنند؟ این برنامه و همایش‌ها آیا باعث تغییر یا اصلاح روش در

برخورد با زنان شده است؟

زنان سوژه فعال حکومت

طیبه سیاوشی نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «اعتماد» می‌گوید: «موضوع مهم این است که زنان تبدیل به يك سوژه فعال در حکومت شده‌اند.» او معتقد است بسیاری از مباحث در رابطه با زنان که پیش از این مطرح می‌شد حالا به محاق رفته است حتی بین کسانی که نگاه مثبتی نسبت به زنان نداشتند هم آن جملات و اظهارنظرهایی که پیام نادیده گرفتن زنان را داشتند مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد: «حالا اگر يك نفر در بعضی موارد هم اظهار بیزاری کند از همان قشر این رفتارها را نقد می‌کنند» او معتقد است همان افرادی که زمانی نیمی از جمعیت ایران به سمت خانه‌هایشان می‌فرستادند و از سختی‌های مشارکت زنان می‌گفتند در حال حاضر دچار تناقض شده‌اند: «اقشاری که تا الان تلاش برای منفعل کردن زنان داشتند و به نظر در شکل برخورد هم یکدست شده‌اند در واقع خودشان تبدیل به چند جبهه شده‌اند و نمی‌دانند چه می‌خواهند بکنند. اما به نظر می‌رسد دیگر نمی‌شود با زنان به سیاق گذشته برخورد کرد. آنها تحصیلات و شجاعت و جسارت خودشان را به رخ می‌کشند و نمی‌شود فعالیت‌های آنها را به راحتی نادیده گرفت. با اینکه حاکمیت تلاش دارد با برگزاری کنگره و نشست و مناظرات صداوسیما در رابطه با زنان صحبت کند اما در عین حال هنوز به يك سیاست منسجم دست نیافته است و می‌توان در برخی از برخوردها نشانی از درهم ریختگی را دید. باوجود تمام این مصائب و مسائل این چند ماه اخیر حاکمیت به نوعی در حال تلاش برای کمرنگ‌تر کردن حضور خود در جامعه زنان است.»

یکی از مشکلاتی که سیاوشی در استراتژی حاکمیت به آن اشاره می‌کند، نبود يك آینده‌پژوهی در حوزه زنان است. او بحث لایحه حجاب را تقلیل دادن مسائل نیمی از جامعه زنان به حجاب می‌داند و می‌گوید: «مساله در حوزه زنان بزرگ‌تر از اینهاست و این تقلیل دادن باعث اشتباه در حرکات بعدی می‌شود. من فکر می‌کنم به هر حال حاکمیت باید يك تصمیم عاجل بگیرد.»

مردان هم آنطور که شاهد هستیم نسبت به آنان در بیشتر موارد واکنش خاصی ندارند. حتی بسیاری از این زنان از حمایت‌هایی می‌گویند که مردان جامعه از آنان در برابر افراد آزارگر می‌کنند. یکی از این نمونه مردانی که این مدت برای حفاظت از زنان کشور به شهادت رسید شهید حمید رضا الداغی بود که برای حفاظت از دو دختر پا پیش گذاشت و شجاعانه جان باخت. پیش از شهید الداغی هم بودند مردانی که برای دفاع از زنان به شهادت رسیدند مانند علی خلیلی، محمد محمدی یا

محمدعلي قاسمزاده که در سالهاي پيش در راه دفاع از زنان جان خود را از دست دادند.

سوالم از طيبه سیاوشي اين است که آیا در مدت اخير روايتهايي از افزايش آزارگري در خيابان ديده يا شنیده است؟ سیاوشي با توجه به مشاهدات و شنیدههايي که داشته است ميگويد: «بهرغم اينکه پوشش زنان تفاوت پيدا کرده است اما نسبت افزايشي بين اين وضعيت و افزايش آزار خياباني ديده نميشود.» سیاوشي با اشاره به عکسي در شبکههاي اجتماعي هم بسيار ديده شد، ميگويد: «به نظر ميرسد حاکميت به اين حداقلها رضایت داده است اما اين رضایت به معني رضایت جامعه زنان نيست. خشونتهاي وسيعي براي بحث حجاب به وجود آمد که ميتوانست با يك عذرخواهي به پايان برسد و براي بهبود شرايط تلاش بشود اما فرصت از دست رفت و متاسفانه هنوز هم اجبار و تحکم در حال ادامه پيدا کردن است. من نميدانم اين سياست براي جلب رضایت کدام بخش از جامعه است؟ هنوز آن سياست و استراتژي که در آن برخورد صلحآمیز همراه با احساس امنيت باشد اتخاذ نشده است. پيچيدگي قضيه در حال حاضر اين است که رفتار فردي حاکميت با جامعه زنان چه خواهد بود؟ و اين ابهام به نوعي ناامني دامن ميزند. از طرفي بايد گفت بحث زنان هم تنها معطوف به حجاب نيست و مشارکت وسيع در جامعه، مشارکتهاي اقتصادي و سياسي هم مدنظر فعالين اين حوزه است.»

زنان در متن اتفاقات

شما قوشه وکیل دادگستري و فعال حقوق زنان در گفتوگو با «اعتماد» از مطالبهگري زنان در 44 سال گذشته ميگويد، از موقعيتهاي مختلف و بزنگاههاي تاريخي که زنان در آن ميان ساکت نبودند و سعي کردند در متن اتفاقات بایستند: «در جنبشي که اتفاق افتاد اما مردم عادي هم درگير مسائل زنان شدند و با اشارتي که کردم در واقع اين درگير شدن عموم جامعه به صورت يكباره نبوده و از پيشتر تلنگرهايي وجود داشته است.» او بهانه اتفاقات اخير را مساله حجاب ميداند که يکي از مسائل روزمره بخشي از زنان است: «در مساله رومينا خيلي از افراد واکنش نشان دادند اما ميدانيم آن مساله هرروزه زنان نيست و همذاتپنداري با رومينا و مادر و حتي پدرش ميسر نبود. هميشه قتلهاي زنان به واسطه جنسيت در خانواده اتفاق ميافتاده و براي عموم حادثهاي بود که براي همسايه ميافتاد و آدمها جنایت را از خودشان دور ميديدند. اما در رابطه با حجاب مساله همه زنان است. در واقع زنان و مردان هر کدام از سويي با آن کلنجار ميرفتند.» قوشه معتقد است حاکميت با ساختن فيلم و تيزر و برگزاري همايش و

تبلیغات سعی می‌کند نشان دهد که مساله زنان برای آنها مهم است: «من فکر می‌کنم حاکمیت چاره‌ای نداشته جز اینکه در مورد این مساله صحبت کند و بگوید برای من هم مهم است. چیزی که مهم است این است که حاکمیت از منظر خودش به مساله نگاه می‌کند. هیچگاه در مورد این موضوع به صورت مشخص حاکمیت همدلی با زنان نداشته و به آنها حق نداده است. شاهد بودیم که در رابطه با مساله رفتن زنان به ورزشگاه همدلی وجود داشته یا در مورد زن‌کشی آن را تقبیح کردند. اما در مورد این جنبش نه تنها هیچ همدلی با خواست زنان نبود بلکه خواستند با موازی‌سازی يك بخشی از جامعه طرفدار خود را به این سمت ببرند که ما همدل هستیم اما نه با زن، زندگی، آزادی بلکه با زن، زندگی، عفت و حیا که با آزادی جایگزین شد.»

«يك بخشی از زنان جامعه از این مراحل رد شدند و این دست کارها باید در اوایل دهه 80 اتفاق می‌افتاد. من این اتفاقات را يك ویتترین برای جبران آن عقبماندگی حاکمیت نسبت به مردم بررسی می‌کنم. از طرفی می‌خواهند بخشی از طرفداران خود را که به هر دلیلی با تفکرات نظام یکسو هستند راضی نگه دارند و به آن بقیه هم طي يك شو و ویتترین بگویند که آنها هم مهم هستند.»

نظام گرفتار تعارض در حوزه زنان  
توران ولي مراد مدیر شبکه ایران زنان در گفت‌وگو با «اعتماد» برنامه‌سازی‌ها و کارهایی که دولت و حاکمیت بعد از اتفاقات اخیر بعد از جان باختن مهسا امینی انجام داده‌اند را برای جبران عقبماندگی خودش می‌داند: «به دلیل اینکه نظام در حوزه زنان گرفتار تعارض است. یعنی با انقلاب اسلامی زن به لحاظ عملي و نظري هويت باز یافته پیدا کرد. زن انسان دیده شد، در انقلاب حق انتخاب و تصمیم‌گیری داشت و حق تعیین سرنوشت دارد که با انقلاب اینطور تعریف شد. نقش زنان در انقلاب اسلامی بیشتر از مردان بود. حضرت امام هم همین را گفتند و واقعیت هم اینطور بود. این هویتی است که در انقلاب برای زن تعریف شد و عملاً در سطح ملي و کلان زنان همین را به صحنه آوردند. بعد از انقلاب هم این نقش متوقف نشد. کما اینکه زنان در تحصیلات، تحصیلات عالی و توانمندسازی خودشان در حرفه و فن و حضور پررنگ سیاسی - اقتصادی و اجتماعی این را نشان دادند. مسیری که زنان آمدند این بوده است.»

او تعارض را اینجا می‌بیند؛ زنی که می‌تواند با رای خود ارکان نظام را انتخاب کند چرا نمی‌تواند در زندگی خود تاثیرگذار و موثر باشد: «شما می‌بینید زنان بسیار پست‌های کلیدی کمی دارند. جاهای خاص که راه بسته و تنگ است. وقتی هويت زن اینطور تعریف می‌شود،

نمی‌تواند در خانواده نقشی داشته باشد که در تعارض با این تعریف است. حق تصمیم‌گیری و انتخاب ندارد. زن به محض اینکه سند ازدواج امضا می‌کند طبق قانون انسان دیده نمی‌شود. قبل انقلاب را کاری ندارم اما بعد از انقلاب که زن تغییر نقش و هویت و جایگاه پیدا کرده، نمی‌شود قوانین خانواده با این هویت تعریف نشود.»

ولی مراد این تعارض را به نفوذ طرز فکری خاص در حاکمیت مرتبط می‌داند و می‌گوید «این تعریف از اسلام با نگاه انقلاب تعارض دارد.» او معتقد است برنامه‌سازی‌ها و همایش‌هایی که در این مدت برگزار شده است تنها راه رفتن روی سرشاخه‌ها است و به ریشه نمی‌پردازد: «حوزه زنان در نظام دچار تعارض است و تا این تعارض برطرف نشود پرداختن به ظاهر و جزئیات چیزی را حل نمی‌کند.» ولی مراد جنبشی که بعد از جان باختن مهسا امینی راه افتاد را کار تئوری‌پردازان غربی و نیروهای ضد انقلاب می‌داند اما اینکه این اتفاقات بهانه گفت‌وگوی بیشتر از حقوق زنان در سطح بالای حاکمیت شده می‌پذیرد و می‌گوید: «بعد از آن اتفاقات اندکی از راهی که تنگ بود باز شد.»

از ولی مراد دلیل بی‌جوابی‌هایی که در سطح جامعه در حال اتفاق افتادن است را می‌پرسم و او در پاسخ می‌گوید: «زن کارهایی که می‌کند برگردان این جمله است که بیایید مرا ببینید، من هستم. اگر مسوولان بیایند این من هستم را به صورت قانونمند و درست پاسخ بدهند دیگر دلیلی برای روسری برداشتن و رفتن در خیابان برای این من هستم وجود ندارد. قرآن می‌فرماید زنان خود را بپوشانند تا مانند يك انسان شناخته بشوند و مورد اذیت قرار نگیرند. زن با نگرش قرآن نباید در جامعه به عنوان عنصر جنسی دیده بشود. جذابیت‌های جنسی عرضه کند. وقتی کنار کسی که لباس‌های خاصی پوشیده، می‌نشینم باعث شرمندگی من است. برای اینکه زنان را در جامعه عنصر جنسی معرفی می‌کند. نگرش نسبت به زنان ابزار جنسی و خدمتکار دیدن است. پوشش زنان باعث می‌شود به عنوان يك انسان در جامعه ظاهر بشود.» ولی مراد معتقد است حجاب مساله شخصی نیست و کاملا اجتماعی است: «اصلا موضوع انتخاب فرد نیست. حضور در جامعه مساله اجتماعی است و موضوع فقط پوشش نیست و البته تنها به زنان هم محدود نمی‌شود.»

از او می‌پرسم رفتارهای مردان در جامعه با زنانی که حجاب ندارند چگونه است؟ آیا آمار یا روایتی از بیشتر یا کمتر شدن آزارهای خیابانی بعد از این اتفاقات دارند: «دنیا در دست سرمایه‌داران است و سرمایه‌داران مسیری که پیش روی بشر می‌گذارند به خاطر سودجویی خودشان است. اینطور فکر نکنیم که دنیا به حال خودش رها است و مردم خودشان تصمیم‌گیری می‌کنند. دنیای سرمایه‌داری زنان را ابزار

دیده است و توسط رسانه‌ها در حال کار کردن روی این مساله است. طرف مقنعه را در مترو برمی‌دارد و ابزار جنسی هم دیده نمی‌شود. اما در این مسیر کار به سواحل غربی که تماما عریان هستند می‌رسد. دنیای سرمایه‌داری این مسیر را پیش روی پای بشر گذاشته و خودش به آن جهت می‌دهد. جامعه ایران نمی‌پذیرد که مردم هر جور می‌خواهند زندگی کنند.»

او با اشاره به سواحل ایران در دوران پهلوی به جملات امام خمینی اشاره می‌کند که از مقابله مردم با این افراد می‌گوید: «امام می‌گوید مگر بندر پهلوی‌ها مرده‌اند که اینها بروند در دریا دنبال عیش و عشرت باشند. اسلام این اجازه را نمی‌دهد وقتی شما جامعه اسلامی دارید باید حدود مشخص بشود. حالا تا يك حد در جامعه جا می‌افتد را کاری نداریم اما نمی‌شود اینطوری که يك روز روسری بردارد و يك روز تاپ بپوشد و شورت کوتاه بپوشد... جامعه اسلامی این اجازه را نمی‌دهد. جمله امام می‌فرماید اسلام پوست آنها را می‌کند.» باید پذیرفت که مطالبات زنان ایرانی این روزها بیشتر از همیشه محل بحث است. بحثی دامنه‌دار که تاریخی را پشت سر گذاشته و همچنان امیدوار به تغییر نگرش سیاستمداران به پیش می‌رود.

---

صداوسیما به عنوان یکی از رسانه‌های مهم ایران در این مدت برنامه‌های متعددی برای زنان تدارک دید که نشان از نیاز جامعه برای شناخت بیشتر از مسائل زنان بود. یکی از برنامه‌هایی که صداوسیما در شبکه 2 آن را روی آنتن برد برنامه تلویزیونی «خط سوم» از گروه خانواده با محوریت بانوان ایرانی بود. «از مامان بگو» هم در ایام نوروز و ماه رمضان روی آنتن رفت. یکی از برنامه‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی هم بسیار دست به دست می‌شد مناظره تلویزیونی «شیوه» بود که به مناظره در رابطه با چالش‌های سیاسی و اجتماعی کشور اختصاص داشت.

---

طیبه سیاوشی:

به نظر می‌رسد دیگر نمی‌شود با زنان به سیاق گذشته برخورد کرد/ آنها تحصیلات و شجاعت و جسارت خودشان را به رخ می‌کشند و نمی‌شود فعالیت‌های آنها را به راحتی نادیده گرفت  
من فکر می‌کنم به هر حال حاکمیت باید يك تصمیم عاجل بگیرد

توران ولي مراد:

مجلس و دولت گرفتار نفوذ طرز تفکري هستند که به اسم اسلام زن را انسان نمي‌بينند/ اين تعريف از اسلام با نگاه انقلاب تعارض دارد يعني با انقلاب اسلامي زن به لحاظ عملي و نظري هويت بازيافته پيدا کرد. زن انسان ديده شد، در انقلاب حق انتخاب و تصميم‌گيري داشت و حق تعيين سرنوشت دارد که با انقلاب اينطور تعريف شد

شيما قوشه:

من فکر مي‌کنم حاکميت چاره‌اي نداشته جز اينکه در مورد حقوق زنان صحبت کند و بگويد براي من هم مهم است  
«در جنبشي که اتفاق افتاد اما مردم عادي هم درگير مسائل زنان شدند و با اشارتي که کردم در واقع اين درگير شدن عموم جامعه به صورت يكباره نبوده و از پيشتر تلنگرهاي وجود داشته است.»

منبع: روزنامه اعتماد 1 خرداد 1402 □□□□□□